

(وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَذْكُرُ فِيهَا بَدِيعَ خَلْقِهِ الْخُفَّاشِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
انْحَسَرَتِ الْأَوْصَافُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ، وَ رَدَعَتْ عَظَمَتُهُ الْعُقُولَ فَلَمْ تَجِدْ مَسَاغًا إِلَى
بُلُوغِ غَايَةِ مَلَكَوْتِهِ! هُوَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، أَحَقُّ وَ أَبْيَنُ مِمَّا تَرَى الْعُيُونُ لَمْ تَبْلُغْهُ
الْعُقُولُ بِتَحْدِيدٍ فَيَكُونُ مُشَبَّهًا، وَ لَمْ تَقَعْ عَلَيْهِ الْأَوْهَامُ بِتَقْدِيرٍ فَيَكُونُ مُمَثَّلًا، خَلَقَ
الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ تَمَثِيلٍ وَ لَا مَشُورَةَ مُشِيرٍ وَ لَا مَعُونَةَ مُعِينٍ، فَتَمَّ خَلْقُهُ بِأَمْرِهِ، وَ
أَدْعَنَ لِبَطَاعَتِهِ، فَأَجَابَ وَ لَمْ يُدَافِعْ، وَ انْقَادَ وَ لَمْ يَنْزِعْ

وَ مِنْ لَطَائِفِ صَنَعَتِهِ، وَ عَجَائِبِ خَلْقَتِهِ، مَا أَرَانَا مِنْ غَوَامِضِ الْحِكْمَةِ فِي هَذِهِ
الْخُفَّاشِ الَّتِي يَقْبِضُهَا الضِّيَاءُ الْبَاسِطُ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَ يَبْسُطُهَا الظَّلَامُ الْقَابِضُ لِكُلِّ
حَيٍّ وَ كَيْفَ عَشِيَّتْ أَعْيُنُهَا عَنْ أَنْ تَسْتَمِدَّ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ نُورًا تَهْتَدِي بِهِ فِي
مَذَاهِبِهَا، وَ تَتَّصِلَ بِعَلَانِيَةٍ بِرُهَانَ الشَّمْسِ إِلَى مَعَارِفِهَا، وَ رَدَعَهَا بِتَأَلُّوْرِ ضِيَائِهَا عَنْ
الْمُضِيِّ فِي سُبْحَاتِ إِشْرَاقِهَا، وَ أَكْنَهَا فِي مَكَامِنِهَا عَنِ الذَّهَابِ فِي بَلَجِ اثْتِلَاقِهَا؟
فَهِيَ مُسْدَلَةٌ الْجُفُونِ بِالنَّهَارِ عَلَى أَحْدَاقِهَا، وَ جَاعِلَةٌ اللَّيْلِ سِرَاجًا تَسْتَدِلُّ بِهِ فِي
الْتِمَاسِ أَرْزَاقِهَا، فَلَا يَرُدُّ أَبْصَارَهَا إِسْدَافُ ظُلْمَتِهِ، وَ لَا تَمْتَنِعُ مِنَ الْمُضِيِّ فِيهِ لِغَسَقِ
دُجْنَتِهِ، فَإِذَا أَلْقَتِ الشَّمْسُ قِنَاعَهَا، وَ بَدَتْ أَوْضَاحُ نَهَارِهَا، وَ دَخَلَ مِنْ إِشْرَاقِ
نُورِهَا عَلَى الضُّبَابِ فِي وَجَارِهَا، أَطْبَقَتِ الْأَجْفَانَ عَلَى مَاقِيهَا، وَ تَبَلَّغَتْ بِمَا
اِكْتَسَبَتْهُ مِنَ الْمَعَاشِ فِي ظُلْمِ لَيَالِيهَا. فَسُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لَهَا نَهَارًا وَ مَعَاشًا، وَ
النَّهَارَ سَكْنًا وَ قَرَارًا، وَ جَعَلَ لَهَا أَجْنِحَةً مِّنْ لَحْمِهَا تَعْرُجُ بِهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَى
الطَّيْرَانِ كَأَنَّهَا شَطَايَا الْأَذَانِ غَيْرَ ذَوَاتِ رِيَشٍ وَ لَا قَصَبٍ، إِلَّا أَنَّكَ تَرَى مَوَاضِعَ

الْعُرُوقِ بَيْنَهُ أَعْلَامًا، لَهَا جَنَاحَانِ لَمْ يَرِقَا فَيَنْشَقَّا، وَلَمْ يَغْلُظَا فَيَثْقُلَا، تَطِيرُ وَوَلَدُهَا
لَا صَبْرٌ بِهَا، لَاجِئَةٌ إِلَيْهَا، يَقَعُ إِذَا وَقَعَتْ، وَيَرْتَفِعُ إِذَا ارْتَفَعَتْ، لَا يُفَارِقُهَا حَتَّى
تَشْتَدَّ أَرْكَانُهُ، وَيَحْمِلُهُ لِلنُّهُوضِ جَنَاحُهُ، وَ يَعْرِفُ مَذَاهِبَ عَيْشِهِ وَمَصَالِحَ نَفْسِهِ،
فَسُبْحَانَ الْبَارِيءِ لِكُلِّ شَيْءٍ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ.

در آفرینش خفاش

وصف پروردگار

ستایش خداوندی را سزااست که تمامی صفتها از بیان حقیقت ذاتش درمانده، و
بزرگی او عقلها را طرد کرده است، چنانکه راهی برای رسیدن به نهایت ملکوتش
نیابد، او خدای حق و آشکار، سزاوارتر و آشکارتر از آن است که دیده‌ها
می‌نگرد، عقلها نمی‌توانند برای او حدی تعیین نمایند، تا همانندی داشته باشد، و
اندیشه‌ها و اوهام نمی‌توانند برای او اندازه‌ای مشخص کنند تا در شکل و
صورتی پنداشته شود، پدیده‌ها را بی آنکه نمونه‌ای موجود باشد یا با مشاوره
مشورت نماید، و یا از قدرتی کمک و مدد بگیرد آفرید، پس با فرمان او خلقت
آن به کمال رسید، و اطاعت پروردگار را پذیرفت و پاسخ مثبت داد و به خدمت
شتافت، گردن به فرمان او نهاد و سرپیچی نکرد.

شگفتیهای خفاش

از زیباییهای صنعت پروردگاری، و شگفتیهای آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکمت در آفریدن خفاشان است، روشنی روز که همه چیز را می‌گشاید چشمانشان را می‌بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می‌برد، چشمان آنها را باز می‌کند، چگونه چشمان خفاش کم‌بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راههای زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می‌خواهد، و روشنی آفتاب خفاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده‌اش باز می‌دارد، و در خلوتگاههای تاریک پنهان می‌سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است، پس خفاش در روز پلکها را بر سیاهی دیده‌ها اندازد، و شب را چونان چراغی برمی‌گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جستجو، و سیاهی شب دیده‌های او را نمی‌بندد، و به خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی‌ماند پس آنگاه که خورشید پرده از رخ بیفکند، و سپیده صبحگاهان بدمد، و لانه تنگ سوسمارها از روشنی آن روشن گردد، شب پره، پلکها برهم نهد، و بر آنچه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کند. پس پاک و منزّه است خدایی که شب را برای خفاشان چونان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار دارد، و روز را چونان شب تاریک مایه آرامش و استراحت آنها انتخاب فرمود، و بالهایی از گوشت برای پرواز آنها آفرید، تا به هنگام نیاز به پرواز از آن استفاده کنند، این بالها، چونان لاله‌های گوشند بی‌پر و رگهای اصلی، اما جای رگها و نشانه‌های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. برای شب پره‌ها دو بال قرار داد، نه آنقدر نازک که درهم بشکند، و نه چندان محکم که سنگینی کند، پرواز می‌کنند در

حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده و به مادر پناه برده‌اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می‌آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می‌گیرند، از مادرانشان جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بالها قدرت پرواز کردن پیدا کند، و بداند که راه زندگی کردن کدام است؟ و مصالح خویش را بشناسد. پس پاک و منزّه است پدیدآورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقیمانده از دیگری، همه چیز را آفرید.